

# تاریخی از موسیقی معاصر هنری ایران

سید عبدالحسین مختاباد






سرشناسه : مختاباد، سیدعبدالحسین، ۱۳۴۵ -  
 عنوان و نام پدیدآور : تاریخی از موسیقی معاصر هنری ایران/  
 نویسنده و مترجم سیدعبدالحسین مختاباد.  
 مشخصات نشر : تهران : نشر گویا، ۱۳۹۹.  
 مشخصات ظاهری : ۲۵۲ ص. : مصور (رنگی).  
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۹۱۳۸-۴  
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
 موضوع : موسیقی ایرانی -- قرن ۱۳ و ۱۴ -- تاریخ و نقد  
 موضوع : Music, Iranian -- 19th & 20th century\*  
 -- History and criticism  
 رده بندی کنگره : ML۳۷۵۶  
 رده بندی دیویی : ۷۸۹/۰۹  
 شماره کتابشناسی ملی : ۷۲۹۷۶۱۹



نشر گویا

خیابان کریم خان زنده روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹  
 تلفن : ۸۸۸۲۸۸۸۴ - ۸۸۳۱۳۴۳۱  
[www.gooyabooks.com](http://www.gooyabooks.com) [info@gooyapub.com](mailto:info@gooyapub.com)

 gooya.publication  
 gooyabookstore

## تاریخی از موسیقی معاصر هنری ایران

سید عبدالحسین مختاباد

نقاشی روی جلد: برگرفته از کتاب نقش عکس استاد شکیبا

طراح جلد: محمد زمانیان

صفحه آرا: فریبا محمدپور

چاپ نخست: ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۹۱-۳۸-۴

چاپ: خانه‌ی فرهنگ و هنر گویا

حق چاپ و انتشار کلیه‌ی مطالب محفوظ است.

هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر است.

فهرست

مقدمه ..... ۱۷

فصل یک: از شک تا یقین

موسیقی ایرانی در قرن نوزدهم میلادی ..... ۲۷  
خاستگاه و ساختار ردیف موسیقی ایرانی ..... ۳۲  
میرزا حسینقلی فراهانی (۱۲۹۴-۱۲۳۰) ..... ۴۳  
اهمیت و برجستگی این دوره ..... ۴۴

فصل دو: «از خون جوانان وطن لاله دمیده است»

موسیقی آوازی ایران: تصنیف و آواز ..... ۵۷  
علی اکبر شیدا (۸۵-۱۲۲۲) ..... ۶۱  
میرزا ابولقاسم عارف قزوینی (۱۳۱۲-۱۲۵۹) ..... ۶۵  
غلامحسین درویش (درویش خان) (۱۳۰۵-۱۲۵۱) ..... ۶۸

فصل سه: میهمان ناخوانده (۱۳۱۹-۱۳۹۹)

۸۲	کنسرت‌های عمومی
۸۹	علت و معلول مدرنیزه‌سازی موسیقی ایرانی
۹۱	علینقی وزیری (۱۳۵۸-۱۳۶۵)
۹۹	ورود موسیقی‌دانان زن به عرصه‌ی عمومی
۱۰۱	قمرالملوک وزیری‌زاده (۱۹۵۴-۱۹۰۵)
	نقش صفحه‌های گرامافون در گسترش دامنه‌ی موسیقی
۱۰۴	ایرانی (۱۹۵۴-۱۹۱۴)

فصل چهار: مرغ سحر، ناله سر کن

۱۱۳	فراتر از حیرت
۱۱۳	زوال موسیقی هنری (عصر پهلوی دوم ۱۳۵۷-۱۳۲۰).....
۱۱۷	پیشرفت در سایر ژانرهای موسیقی
۱۱۹	موسیقی فولکلوریک
۱۲۰	سه دوره پیشرفت‌های موسیقی هنری ایران
۱۲۱	۱. مدرنیسم، عصر انزوا و ایستایی
۱۲۴	۲. دوره‌ی شکیبایی
۱۲۶	روح‌الله خالقی ( ۱۹۶۵-۱۹۰۶)
۱۲۸	۳. پوپولیسم (عوامگرایی): دوره‌ی هرج و مرج
۱۳۱	واقع‌گرایی: بازگشت به خویشتن
۱۳۳	انقلاب در پخش موسیقی

### فصل پنج: ایران، ای سرای امید

۱۳۹	ریشه‌های انقلاب
۱۴۱	موسیقی از ابتدای انقلاب تا شروع جنگ
۱۴۵	تحولات و تغییرات ریتمیک موسیقی ایرانی
۱۴۷	پیشرفت‌ها و تغییرات در موسیقی آوازی و شعر
۱۵۴	موسیقی کرال
۱۵۶	موسیقی سنتی
۱۶۰	موسیقی و جنگ
۱۶۲	موسیقی جنگ
۱۶۴	موسیقی جنگ و موسیقی دفاع مقدس
۱۶۶	ژانرهای موسیقی در زمان جنگ
۱۶۸	ژانرهای موسیقی در دوره‌ی جنگ
۱۶۹	جنگ و موسیقی نوحه
۱۷۵	جنگ و موسیقی هنری ایران

### فصل شش: زندگی زیباست

۱۸۷	موسیقی در دوره‌ی پس از جنگ
	تأثیر انقلاب مذهبی ایران بر موسیقی هنری معاصر
۱۸۹	ایرانی
۱۹۱	بعْد اجتماعی
۱۹۳	بعْد فرهنگی
۱۹۴	بعْد هنری

فعالیت‌های موسیقایی در سال‌های پس از جنگ (۱۹۹۶-)

۱۹۵ ..... (۱۹۸۸)

۱۹۶ ..... جشنواره‌ی موسیقی فجر

۱۹۹ ..... فضای کنونی اجرای موسیقی

۲۰۵ ..... نتیجه‌گیری

۲۱۱ ..... محبوبیت نداشتن موسیقی هنری ایران

۲۱۶ ..... نگاهی به آینده

۲۱۹ ..... تصاویر

## خلاصه

این کتاب، تاریخی از موسیقی هنری اصیل ایران از اواخر قرن نوزدهم میلادی (اواخر قرن سیزده هجری شمسی) تا اواخر قرن بیستم را با نگاهی عمیق‌تر بر تأثیرات متقابل سیاسی-اجتماعی و به زبانی، جدال آشکار و نهان مابین سنت و مدرنیته را ارائه می‌کند؛ و از سویی کنکاشی است بر جایگاه و ساختار موسیقی هنری ایران «نوع و یا ژانری از موسیقی که خود نویسنده به عنوان عضوی از آن سال‌های متمادی به طور عملی و حرفه‌ای» با آن از نزدیک درگیر بوده است. فصلهای این کتاب شامل مباحث ذیل است:

- ☑ فصل‌های ۱ و ۲ نگاهی به تأثیرات موسیقی اروپایی بر موسیقی ایران در اواخر قرن نوزده میلادی و نیز چگونگی شکل‌گیری موسیقی ایرانی به عنوان موسیقی دستگاهی (ساختارنندی ردیف).
- ☑ فصل‌های ۳ و ۴ به طرح و جست‌وجوی تمایلات غرب‌گرایی و مدرنیزاسیون در موسیقی هنری ایران، از زمان انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷) با بررسی آثار موسیقی‌دانانی نظیر

علی اکبر شیدا، عارف قزوینی، درویش خان، علینقی وزیری و روح الله خالقی می‌پردازد. زمان مذکور از این جهت قابل اهمیت است که عنصر تصنیف در موسیقی ایرانی، در زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایرانیان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. در این فصل‌ها در حد امکان به گرایش‌های مدرنیسم، تحول و تطور موسیقی در ایران، و نیز رابطه‌ی این تحولات با فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی ایران پرداخته می‌شود.

☑ در فصل‌های ۵ و ۶ به جایگاه موسیقی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) خصوصاً در خلال هشت سال جنگ تحمیلی پرداخته شده است. زمانی که موسیقی انقلابی با موسیقی عزا در هم آمیخته و با بهره‌گیری از مراسم محرم به عنوان یک ژانر مستقل، پا به عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نهاد. در این فصل‌ها همچنین به تضعیقات و فشارهای حاصل از جو مذهبی و انقلابی بر موسیقی و موسیقی‌دانان ایرانی در آن دوران نیز اشاره می‌گردد.

در پایان در بخش نتیجه‌گیری، پیشنهادات و راهکارهای مولف برای آینده، چشم‌انداز و نیز نحوه تغییر و تحول موسیقی ایرانی مطرح شده است.



## مقدمه

موسیقی سنتی (هنری) ایران، بر اساس آنچه که امروزه ما می‌شناسیم، به وسیله‌ی گروهی از موسیقی‌دانان خبره و فعال در اواخر قرن ۱۹ میلادی در دربار قاجار تدوین، تصحیح و تنظیم گردید. سیستم دستگاهی که این خبرگان علم موسیقی فرمول‌بندی کردند، گرچه ارتباط نزدیکی با موسیقی و فرهنگ موسیقایی کشورهای همجوار آنها نظیر (کشورهای عربی، ترکیه، ازبکستان - تاجیکستان، پاکستان و هندوستان) دارد، اما از منظر و شاخص سیستم‌بندی و رپرتوار موسیقایی، به گونه‌ای آشکار از هویت و منظری کاملاً متمایز، متفاوت و مستقل برخوردار است.

در طول یک قرن گذشته «ردیف» یعنی همان رپرتوار و یا کلکسیون موسیقی اصیل و یا هنری ایران، به کرات به صورت نت (سیستم الفبای موسیقایی غربی) نوشته و چاپ شده است. ردیف‌های گردآوری شده با روایت‌ها و برداشت‌های متفاوت و متنوع موجود است، که بر اساس روایت استادان مختلف، برای سازهای متفاوت نشر و ضبط گردیده است. خوشبختانه سیستم دستگاهی موسیقی اصیل ایرانی، بگونه‌ی مطلوبی ثبت و ضبط گردیده و حتی مورد توجه و نظر استادان ایرانی و اتوموزیکولوژیست‌های غربی نظیر

کارون<sup>۱</sup>، زونیس<sup>۲</sup>، صفوت، فرهنگ، نتل<sup>۳</sup>، میلر<sup>۴</sup>، دورینگ<sup>۵</sup> و غیره واقع شده است.

با گذشت زمانی چند از به سامان و منظم کردن موسیقی سنتی ایران، همزمان شاهد رشد و تحول ژانر دیگری از این نوع موسیقی هستیم، این همان نوع یا گونه از موسیقی ایرانی است که من اصطلاح «موسیقی معاصر هنری ایران»<sup>۲</sup> را بر آن می‌نهم. رگه‌ها و نیز تأثیرات این ژانر از موسیقی، تا به امروز نیز ادامه دارد. امروزه همان گونه که می‌دانیم انواع متنوع و متفاوتی از موسیقی هنری ایرانی خلق و اجرا شده است، اما این موسیقی نوین از آن رو مستحق کلمه‌ی «موسیقی هنری» است که ریشه در سنت‌های موسیقایی ایران داشته و از سویی به گونه‌ای آگاهانه و ژرف‌اندیشانه از ایده‌های موسیقی غربی نظیر جاز<sup>۳</sup> و پاپ پرهیز می‌نماید. این «موسیقی نوین» همان گونه که از آن بر می‌آید و انتظار می‌رود، دارای مقصود و هدفی روحانی و عرفانی است و ریشه در فرهنگ عمیق و نیز ادبیات کهن و گرانسنگ و عرفانی ایران دارد. خالقان این نوع موسیقی بدون تردید از ایده‌ها و داشته‌های سایر ژانرهای موسیقایی بهره برده و می‌برند و نیز آن ایده‌ها را در

1. Caron 2. Zonis 3. Nettl 4. Miller 5. During

۲. اصطلاح «موسیقی معاصر ایران» دارای تفاوت ریش‌های با واژه به اصطلاح همسنگ خود یعنی «موسیقی معاصر» یا همان موسیقی آونگارد غربی که به موسیقی قرن بیستم هم معروف است، دارد، همان ژانری از موسیقی که از ایده موسیقی‌دان بزرگ فرانسوی کلاود دبوسی نشأت گرفته است. من کلمه یا اصطلاح «معاصر» را تنها به سبب بار تحت الفظی یا ادبی آن به کار برده‌ام.

۳. در این ژانر موسیقی غالباً در گام مینور یا فریج، با هارمونی سهل و روان، معمولاً در ریتم‌های ۶/۸ و به ندرت در ریتم

۴. با کلمات و اشعاری ساده و نیز استفاده از سازهای جاز غربی نظیر گیتار، درامز، ارگ و...

صورت لزوم در آثارشان منظور می‌کنند؛ اما به طور آشکار باید اذعان نمود که موسیقی‌دانان هنری ایران به موسیقی هنری یا کلاسیک غرب همواره اسعان نظر خاصی داشته و این ژانر موسیقی تاکنون بیشترین منبع الهامات آنها بوده است. بر اساس این استدلالات «موسیقی هنری ایران» موضوع اصلی این تراسا.

ضمن احترام به پیشینه و عمق تاریخی موسیقی اصیل ایران، به سبب نیاز جدی به شرح تاریخ معاصر موسیقی ایران، به نظرم پرداختن به پیشینه‌ی بیش از یک قرنی در این تر چندان لازم و ضروری نباشد. لذا این قلم به بررسی تحولات موسیقی اصیل ایرانی از اواخر قرن نوزدهم چشم داشته است. زمانی که سیستم دستگاهی در موسیقی ایران فرمول‌بندی شده و از سویی شاهد نفوذ موسیقی غربی نیز هستیم.

همان‌گونه که از شواهد بر می‌آید از سال ۱۹۲۰ میلادی یا حوالی ۱۲۹۹، نوعی از موسیقی هنری ایرانی با الهام از موسیقی غربی توسط علینقی وزیری در ایران ترویج و نشر یافت. بدون تردید ایده ورود این نوع موسیقی، ارتباطی پیوسته و تنگاتنگ با ورود و نیز رشد بطئی غربزدگی و مدرنیزاسیون در اواخر قرن نوزدهم در ایران داشته است و در این میان قطعا رقابت و نیز نفوذ دو ابر قدرت روسیه و انگلیس در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران و منطقه خاورمیانه نیز بی‌تأثیر نبوده است. فرایند غربزدگی در ایران در قرن بیستم به اوج خود می‌رسد. این روند خو خود انتقاد و اعتراض همگانی را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در پی داشته است. ظهور انقلاب اسلامی و سرنگونی سلسله پهلوی را باید از جمله یکی از نتایج این اعتراضات و انتقادات دانست.



عصر مشروطه در دهه‌ی اول قرن بیستم را باید از جمله دوره‌هایی برشمرد که در آن تفاوت بین «موسیقی هنری» و «موسیقی سنتی» ایران آشکار می‌گردد. بدون تردید انقلاب مشروطه موجب تأثیرات و تغییرات بس شگرفی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری بود. این نهضت به سیمای اجتماعی و هنری ایران منظر دگرواره‌ای ارائه کرد. به زبان جامعه‌شناسی سیاسی جامعه ایران، از فتودالیسم به مدرنیته انتقال یافت. این جنبش سیاسی و اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر موسیقی هنری ایران داشته است؛ در همین دوره است که فرم جدیدی از موسیقی هنری به نام «تصنیف» به وسیله هنرمندانی همچون علی‌اکبر شیدا و عارف قزوینی معرفی و عرضه گردید. یقیناً این تحول را باید از جمله نخستین تلاش‌ها برای مردمی و یا عمومی کردن موسیقی هنری در ایران برشمرد.

#### قرن بیستم

اوایل قرن بیستم میلادی در اصل عصر رشد و شکوفایی ناگهانی گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی غرب در ایران است. فلسفه، ایدئولوژی، علوم، هنرها، آموزش و پرورش و رسم و رسومات اجتماعی غربی، همه و همه مورد توجه و استقبال خصوصاً طبقات متوسط و مرفه و روشنفکر جامعه‌ی ایرانی قرار گرفت. این گرایش‌ها به نوبه‌ی خود تأثیرات عمیقی از خود به جای نهاد. تحقیق، بررسی و یا بحث در چگونگی این نفوذ از حوصله و نیز موضوع این قلم خارج است اما نقد و بررسی تأثیرات موسیقی غرب بر روی موسیقی ایرانی، خصوصاً پیامدهای آن بر موسیقی

معاصر هنری ایران، از جمله مباحثی است که نقش و جایگاه ویژه‌ای در فصل‌های این کتاب دارد.

گام‌های پروژه‌ی غرب‌گرایی از ۱۹۲۵ میلادی حدود سال‌های ۴-۱۳۰۰ شمسی شتاب ویژه‌ای به خود گرفت. این سال‌ها مصادف با تغییر حکومت در ایران است. در سال ۱۳۰۴ حکومت قاجار سرنگون و سلسله‌ی پهلوی قدرت را در دست گرفت. ایده‌ی تمایل به غرب از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ (سال وقوع انقلاب اسلامی) همچنان به عنوان ایده‌ی مسلط در ایران ساری و جاری بود. در طول این نیم قرن سنت‌های بسیاری نابود و یا مجبور به تطبیق با مدرنیته گردید. تغییرات، تحولات و پیشرفت‌های تکنولوژی از جمله عوامل اصلی هموارکننده‌ی جاده تغییرات به‌شمار می‌رفتند. برای نمونه، تأسیس رادیو تأثیرات شگرفی بر هنرها و خصوصاً موسیقی از خود به جای نهاد، به نظر اینجانب، باید اذعان داشت که تحول موسیقی هنری ایران، با تأسیس رادیو آمیختگی ویژه‌ای داشته و اساساً از همین زمان استحکام و قوام یافته است. اجرای موسیقی برای شنوندگان رادیو تجربه‌ی جدیدی در شناسنامه هنری موسیقی‌دانان ایرانی به حساب می‌آمد. در این موضع شنوندگان آنان از بعد کمی و کیفی تغییرات قابل توجهی کردند. تقاضا و انتظار شنوندگان هر روز بیشتر و بیشتر شده و آنها خواستار شنیدن آثار جدیدتر از آهنگسازان معاصر بودند. با رشد سریع طبقه‌ی متوسط در ایران، تقاضا برای شنیدن ژانرهای جدی‌تر موسیقایی نیز رو به فزونی گرفت، بر همین اساس از اواخر دهه ۲۰ هجری شمسی تا ۱۳۵۷، سال وقوع انقلاب، انواع مختلفی از موسیقی در ایران اجرا شده‌اند از جمله؛ موسیقی سنتی ایران، موسیقی فولکلور

ایرانی، پاپ، جاز و نیز موسیقی کلاسیک غربی. البته با در نظر گرفتن این مطلب که در اکثر این سال‌ها، تسلط و نیز تبلیغ موسیقی جاز و پاپ از سایر موسیقی‌ها بیشتر بوده است.

با انقلاب پنجاه و هفت، بلادرنگ حملات و انتقادات بر علیه پروسه غربزدگی - که بیش از نیم قرن در ایران ساری و جاری بود- آغاز شد. بازبینی و اصلاح فعالیت‌های هنری و نیز بازگشت به سنت‌ها، سیاست و روش غالب هنرمندان گردید، با توجه به جو غالب انقلابی و نیز احساسات ضد غربی حاکم، این خطی مشی قویا از سوی جامعه و نیز هیئت حاکمه تشویق و تهییج می‌شد. بر اساس همین سیاست هنری نانوشته بود که از سال (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸) از اول انقلاب تا پایان جنگ ایران و عراق، تنها و تنها موسیقی و موسیقی‌دانان سنتی، محلی و نیز تا حدودی موسیقی کلاسیک غربی اجازه فعالیت در ایران داشتند.

از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ موسیقی پاپ و جاز ایرانی با لحاظ کردن برخی محدودیت‌ها دوباره پا به عرصه‌ی فعالیت‌های هنری نهاد. بازتر شدن فضای سیاسی کشور از سال ۱۳۷۶ و همچنین سیاست درهای باز برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری، سبب رها شدن انرژی خفته‌ی نسل جوان در موسیقی ایرانی «در همه ژانرها» شد. در این مورد باید اذعان کرد که تهران تبدیل به پایتخت موسیقی ایرانی در همه ژانرها شد. نسل جوان از ۱۳۸۰ پا به عرصه فعالیت نهاد و تا حال حاضر توانسته برداشت و نیز نگاه خود را در موسیقی ایرانی اعم از کلاسیک، جاز و پاپ بیان کند.

باید اذعان داشت که در سالهای اخیر موسیقی با وجود همه‌ی محدودیت‌ها از رشد و شکوفایی قابل توجهی (اعم از کمی و کیفی) در داخل



کثرت برخوردار بوده است، و علی‌رغم همه محدودیت‌ها اغلب موسیقی‌دانان و استادان برجسته‌ی موسیقی ایرانی همچنان در ایران عزیز بسر برده و کمایش به فعالیت مشغول هستند. نسل جدید موسیقی‌دانان ایرانی نیز با تران و توشه‌ای درخور، از راه می‌رسند. رشد قابل توجه تولیدات موسیقی از بعد کمی و کیفی نشان دهنده‌ی زنده بودن این هنر است. موسیقی‌های جاز، پاپ، سنتی و فولکور در ابعاد وسیعی در حال اجرا و تولید هستند و باید اذعان کرد که موسیقی در ایران علاوه بر هنر به یک صنعت و نیز تجارت تبدیل شده است. همه‌ی این اشارات بیانگر آینده‌ای روشن برای موسیقی در ایران است.

در پایان مقدمه بر خود واجب می‌دانم که از لطف و عنایت بی‌شائبه بروس وکیل به جهت ترجمه‌ی اشعار و تصنیف‌ها از فارسی به انگلیسی تشکر و قدردانی کنم.

... عارف قزوینی را همگان به عنوان موسیقی دانی ملی و انقلابی می شناسند. در واقع او را باید از جمله نخستین موسیقیدانان و آهنگسازانی به حساب آورد که مفاهیم اجتماعی و سیاسی را در موسیقی هنری ایران به کار برده است. او در کتابش به موقعیت موسیقی و موسیقیدانان عصر خود اشاره هایی دارد از جمله:

«وقتی من شروع به ساختن تصنیف و سرودهای ملی و وطنی کردم، مردم خیال می کردند باید تصنیف برای «بیری خان» گربه ی شاه شهید ساخته شود... من در زمانی دست به ساختن تصنیف های وطنی زدم که از هر ده هزار ایرانی یک نفر نمی دانست وطن چیست و تصنیف هایی هم که وجود داشت، به غیر از تصنیف های شیدا، همه مبتذل بودند»

